

اجاره‌ای جدید برای زندگی: ملت‌سازی در افغانستان

بعد از ویتنام ایدئولوژی بازسازی لیبرال دموکراتیک فقط کنار گذاشته شده بود و نه دفن. این در اوایل دهه ۲۰۰۰ پس از تهاجم به عراق و افغانستان جان تازه‌ای گرفت. عوامل متعددی از جمله انتقام ۱۱ سپتامبر در تهاجمات به هر دو کشور وجود داشت، اما هر دو کشور اساساً به عنوان فرصت‌هایی برای واشنگتن به منظور تغییر شکل محیط سیاسی جهانی پس از جنگ سرد تلقی می‌شدند.

طرفداران این استراتژی به اصطلاح نومحافظه‌کاران بودند که با پیروزی جورج دبلیو بوش در انتخابات سال ۲۰۰۰ واشنگتن را به دست گرفتند و شخصیت‌های اصلی آنها دیک چنی، معاون رئیس جمهور، دونالد رامسفلد، وزیر دفاع و پل ولفوویتز معاون وزیر دفاع بود.

قرار بود افغانستان و عراق همان چیزی باشند که رومی‌ها آن را جنگ‌های نمونه می‌نامیدند. آنها اولین گام از اقداماتی بودند که به اصطلاح دولت‌های سرکش را حذف می‌کرد، دولت‌های وابسته را وادار به وفاداری بیشتر یا متحدان قابل اعتمادتری را جایگزین آنها و رقبای استراتژیک مانند چین را متوجه می‌کرد که حتی نباید به رقابت با آنها فکر کنند. تمایل ایالات متحده به استفاده از زور در عراق و افغانستان برای غیر ضروری کردن اعمال زور در آینده به دلیل ترسی که در دوست و دشمن ایجاد می‌کند، طراحی شده بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ به نومحافظه‌کاران این فرصت را داد تا دنیای تک قطبی را دائمی کنند و آنها مصمم به استفاده از زور برای تثبیت بودند.

خرابی ویتنام فراموش شد و بازسازی لیبرال دموکراتیک از قفسه برداشته شد و گرد و غبار آن به عنوان پروژه سیاسی که بلافاصله پس از تهاجم باید به وقوع می‌پیوست، زده شد. برای مکس بوت نئو محافظه‌کار، رهبری ایالات متحده در جهان تک قطبی تماماً به دنبال تحمیل حاکمیت قانون، حقوق مالکیت، آزادی بیان و سایر تضمین‌ها در صورت لزوم با اسلحه بود. فیلیپ باییت، یکی دیگر از متفکران نومحافظه‌کار، گفت که «قدرت نظامی همراه با بازسازی سیاسی برای دستیابی به «تحول دموکراتیک» است. یا شاید هم بتوان آن را «امپریالیسم لیبرال» نامید. این ایده چه اشکالی دارد؟»

بازسازی لیبرالی در افغانستان حتی بیشتر از سایر پروژه‌ها یک کار خراب بود. طالبان شکست نخوردند، درحالی که بازسازی موفق مستلزم شکست آنها بود! آنها به سادگی شهرها را تسلیم کردند اما کنترل روستاها را در دست داشتند. همچنین نخبگان محلی معتبری نیز وجود نداشتند که به عنوان شرکای قابل

مشابه مورد
افغانستان، فتح
فیلیپین نیز پس از
سرکوب وحشیانه
یک جنبش
ملی‌گرا بود که در
آنجا حدود ۵۰۰۰۰۰
فیلیپینی گرفته شد